

توسعه مهارت‌های کارآفرینی فرصت‌های اشتغال زنان

حوریه مرادی: دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی رامین مسعود بیژنی: استادیار ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی بروجرد
غلامحسین کرمی: دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه شیراز

چکیده
 زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت کشور، گرایش زیادی به تحصیلات دانشگاهی پیدا کرده‌اند و نرخ به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در حال است. این در حالی است که بر اساس آمارهای رسمی، نرخ بیکاری نیز در میان زنان تحصیل کرده نگران‌کننده است. ایجاد تفکر کارآفرینی و ورود بانوان به عرصه کسب و کار، با توجه به دانش و مهارتی که در رشته تخصصی دانشگاهی خود فرا گرفته‌اند، باعث می‌شود که آن‌ها با بهره‌گیری از استعدادهای خود به افرادی خلاق، نوآور و کارآفرین تبدیل شوند. از طرفی بی‌توجهی به زنان از دیدگاه نیروی انسانی، موجب هدر رفت امکانات بالقوه رشد و بالندگی جامعه می‌شود. این مطالعه از طریق بررسی مروری و اسنادی، سعی بر بیان ضرورت توسعه کارآفرینی در میان زنان و دختران و چالش‌های پیش‌روی آنها دارد. مقاله توسعه کارآفرینی را یکی از راه‌های حل معضل بیکاری در میان زنان معرفی و به عوامل مؤثر بر اشتغال و راه کارهای توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه در میان زنان و دختران اشاره دارد.

مقدمه
 زنان در حدود نیمی از جمعیت کشور، حدود ۴۰ درصد از نیروی کار روستاها و ۱۳ درصد از نیروی کار فعال شهرها را تشکیل می‌دهند. این ارقام غیر از آمار زنانی است که در خانه با خوداشتغالی بخشی از هزینه‌های زندگی را تأمین و یا به فعالیت‌های مربوط به خانه‌داری که جنبه تولیدی داشته و درآمدی را نصیب خانواده می‌کند، مشغول هستند. از سویی زنان در کشور ما، متقاضیان مهارت‌دیده و دارای تحصیلات عالی‌های هستند که از این نظر بر مردان برتری یافته‌اند؛ به طوری که هم‌اکنون بیش

از ۶۰ درصد از ظرفیت‌های دانشگاه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. با نبودن نرخ بیکاری زنان فارغ‌التحصیل دانشگاهی یکی از معضلات فعلی جامعه ماست. به طوری که به نسبت مساوی با مردان جذب بازار کار نشده‌اند؛ به طوری که نرخ بیکاری زنان دارای تحصیلات دانشگاهی دو برابر مردان است (صابر، ۱۳۸۶). با توجه به وضعیت جمعیتی، تحصیلی و اشتغال زنان در ایران، تدبیر اندیشی جهت حل معضل بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی دختر و ایجاد اشتغال و استفاده از توانمندی‌های این قشر از جامعه کاملاً احساس می‌گردد (آراستی، ۱۳۸۴).
 زنان در ایران، خوداشتغالی را برای غلبه بر مشکل جداسازی مشاغل و مشارکت در توسعه اقتصادی می‌بینند. جوان بودن جمعیت، گرایش بیشتر زنان به تحصیلات عالی و سستی بودن جامعه، از جمله ویژگی‌های ساخت اجتماعی در ایران است (آراستی، ۱۳۸۵). بی‌توجهی به زنان از دیدگاه نیروی انسانی، موجب هدر دادن و یا ضایع کردن امکانات بالقوه رشد و بالندگی جامعه می‌شود. به اعتقاد بسیاری از اقتصاددانان، بهبود الگوی معیشتی خانواده، تنظیم روابط درون خانوار و تربیت فرزندان از جمله مواردی است که ارتباط نزدیک با میزان سواد، تحصیلات و مشارکت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی زنان در بیرون از خانه دارد.
 برخی از کارشناسان پیرامون بهداشت روانی زنان شاغل معتقدند اشتغال نه تنها ایجاد آسیب و مشکل برای زنان نمی‌کند، بلکه منافی همچون حمایت‌های اجتماعی، افزایش عزت نفس و توسعه منابع ارتباطی را به همراه دارد. از سویی برخی دیگر معتقدند ایفای نقش‌های متعدد (مادری، همسری و اشتغال)، تعارض نقش‌ها و انعطاف‌ناپذیر بودن ساعات کاری، وجود بار اضافی نقش و ایجاد استرس به دلیل وجود نگرش جنسیتی منفی نسبت به زنان از پیامدهای اشتغال زنان است. نتایج تحقیقات مرکز امور مشارکت زنان نشان می‌دهد که زنان در اداره امور خانه و شغل‌شان معمولاً استانداردهای شخصی بالایی برای خود قرار می‌دهند. در واقع این ضروریات را می‌توان اجبارهای نقش دانست که برای زنان فشارآور است. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد اشتغال در سلامت زنان مجرد بیشتر از زنان متأهل مؤثر است. در مورد زنان متأهل نیز در صورتی که اشتغال با مشارکت همسران آن‌ها در امور خانه همراه باشد، هیچ آسیبی به سلامتی آنها نمی‌رساند (حسینی‌نژاد، ۱۳۸۴).

عوامل مؤثر بر اشتغال زنان

فعالیت‌های اقتصادی زنان در جهان و جهت‌گیری آنان به سمت فعالیت‌های کارآفرینانه به‌دلیل تعددی از جمله بیکاری، استقلال، کسب درآمد، پایین بودن دستمزدها و عدم رضایت از شغل قبلی است. اما عوامل مختلفی در تسهیل و یا تضعیف این فعالیت‌ها مؤثر است. بررسی این عوامل می‌تواند در توسعه فعالیت کارآفرینانه زنان نقش مهمی ایفا نماید. (گلر، ۱۳۸۴).

یک بررسی در مورد ۲۰ زن کارآفرین در آمریکا نشان داد که مهم‌ترین انگیزه آنان برای شروع کار جدید احتیاج به انجام کار، نیاز به پیشرفت و نیاز به احساس رضایت از کار و کسب درآمد بوده است. مشکل اساسی آن‌ها در شروع کار، تبعیض موجود در تأمین تسهیلات بانکی و اعتبارات و همچنین بازاریابی است.

اگرچه انگیزه‌های اصلی مردان و زنان در اشتغال مشابه هم هستند، اما تحقیقات نشان می‌دهد که تفاوت‌هایی در اولویت‌های آنان وجود دارد. زنانی که از تجارب کاری سابق خود ناراضی بوده، به پدیده خوداشتغالی به‌منزله راه‌کاری برای کاستن از تداخل وظایف شخصی و شغلی می‌نگرند و علاقه‌مند هستند که کیفیت محصول خود را به‌عنوان یک امتیاز رقابتی افزایش دهند. (Kantor, 2002).

امروزه عوامل و شرایطی وجود دارند که اشتغال زنان در جامعه را تسهیل نموده و ضرورت می‌بخشند. مهم‌ترین عواملی که به نوبه خود می‌توانند بستر ساز اشتغال زنان باشند عبارتند از:

۱. ارج نهادن به شخصیت و استقلال زنان:

برخلاف گذشته که زنان به‌عنوان عنصر تحت تملک مردان تلقی می‌شدند، امروزه در اکثر کشورهای زنان دارای حقوق مساوی با مردان هستند. دین مبین اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به برابری و مساوات در حقوق زنان و مردان توجه نموده است.

۲. آثار مثبت اشتغال زنان:

بررسی‌ها نشان می‌دهند که بیشتر زنان شاغل دارای اعتماد به نفس بالاتری هستند و از قدرت برنامه‌ریزی و مشارکت بالاتری در تصمیم‌گیری‌ها برخوردارند. آن‌ها شغل خود را مانع از ایفای نقش‌های همسری و مادری نمی‌دانند. یک بررسی نیز نشان داده است که اشتغال بر تعادل روانی زنان اثر مثبت دارد (سفیری، ۱۳۸۰).

۳. پیشرفت فناوری و تغییر در نوع شغل:

با تلفیق فناوری‌های نوین در عرصه‌های کار و اشتغال، نیاز به نیروی جسمی کمتر شده است و اکثر مشاغل، تخصص‌محور شده‌اند. این امر شرایط مساعدی را برای اشتغال زنان تحصیل کرده و ماهر فراهم می‌سازد.

۴. اصلاحات در قوانین کار:

گذشته زنان در کنار فعالیت‌های شغلی باید وظایف همسراری، خانه‌داری و بچه‌داری را نیز انجام می‌دادند که به دلیل حمایت‌های قانونی کم، بسیاری از آن‌ها دچار مشکل می‌شدند. امروزه با اصلاح قوانین کار در اکثر کشورها، زنان از شرایط مناسب‌تری برای اشتغال برخوردارند. برای مثال آن‌ها می‌توانند از مرخصی‌های قانونی برای دوران شیردهی فرزند و یا زایمان برخوردار شوند.

۵. گرایش به زندگی سطح بالاتر:

امروزه نیازهای جدید و متنوعی برای خانواده‌ها مطرح است که تأمین آن‌ها با درآمد مردان امکان‌پذیر نیست. بنابراین خانواده‌ها کار خارج از منزل زنان را تشویق و از آن حمایت می‌کنند.

۶. افزایش اوقات فراغت زنان:

کاهش تعداد مولید و

به‌کارگیری انواع وسایل رفاهی برای انجام امور منزل میزان قابل توجهی از وقت زنان را آزاد کرده که می‌توانند به امور حرفه‌ای و شغلی خارج از منزل اختصاص دهند.

۷. افزایش تعداد زنان تحصیل کرده متخصص:

تعداد زنان یا دختران در مقاطع دانشگاهی موجب افزایش تعداد زنان متخصص شده است، که به نوبه خود بر ترکیب جنسیتی شاغلان بخش‌های مختلف تأثیر گذاشته است (حسینی، ۱۳۸۱). در این خصوص ایجاد هماهنگی بین عملکرد دانشگاه‌ها و نیازهای بازار کار از جمله مسائل مهم در آموزش عالی است.

از مشکلات دیگر آموزش عالی در زمینه فارغ‌التحصیلان عدم امکان جذب مؤثر در بازار کار، عدم رعایت تناسب بین رشته تحصیلی و فعالیت شغلی و جذب بیشتر فارغ‌التحصیلان در بخش‌های غیرتولیدی است. نظام آموزشی نیز انعکاس و ثمره ساختارهای اجتماعی - اقتصادی همان کشور است و عدم کارایی آن از مشکلات ساختاری جامعه سرچشمه می‌گیرد (عزیزی و حسینی، ۱۳۸۵).

ضرورت‌های توسعه کارآفرینی زنان

به‌منظور استفاده بهینه از توانایی‌های زنان و دستیابی به توسعه اقتصادی، کارگزاران و اقتصاددانان به‌دنبال ارائه الگویی هستند که نقش زنان را در توسعه همه‌جانبه به‌ویژه اقتصاد تقویت نمایند. در واقع

امروزه، در عرصه جهانی، زنان خلاق، نوآور و مبتکر به‌عنوان کارآفرینان، منشأ تحولات بزرگی در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی شده‌اند و نقش و جایگاه ممتاز آنان به‌عنوان موتور توسعه اقتصادی و صنعتی، محرک و مشوق سرمایه‌گذاری و عامل ایجاد اشتغال پایدار، مشهود است (آراستی، ۱۳۸۴). از سویی با توجه به محدودیت‌های سرمایه‌گذاری از سوی دولت، کارآفرینی یکی از مهم‌ترین راه‌حل‌های کاهش معضل بیکاری زنان محسوب می‌شود (صابر، ۱۳۸۶). از این رو مقوله کارآفرینی به‌سرعت در حال گسترش است و کارآفرینی زنان موضوعی خاص و مورد توجه سراسر جهان است.

بسیاری از محققان معتقدند که فعالیت‌های کارآفرینی توسط زنان، نقش برجسته‌ای در سلامت اقتصاد ملت‌ها دارد.

شواهد موجود نشان می‌دهد زنان در زمان کوتاهی توانسته‌اند با ورود به عرصه کسب و کار، تحولات عظیمی در توسعه اقتصادی کشورها ایجاد کنند. چنانچه آمارها نشان می‌دهد فعالیت‌های اقتصادی زنان ۲۵ تا ۳۵ درصد کل فعالیت‌های اقتصادی جهان را تشکیل می‌دهد (Kantor, 2002). در ایران، کارآفرینی پدیده‌ای بسیار نو و پژوهش‌ها به‌ویژه در مورد کارآفرینی زنان، بسیار محدود می‌باشد. همچنین، به‌رغم تمایل زنان ایرانی، به مشارکت اقتصادی و اجتماعی، جامعه قادر

به بهره‌مندی کامل از مشارکت آنان در امور



اقتصادی جامعه نبوده است (آراستی، ۱۳۸۵).

کاربرد کارآفرینی بسیار فراتر از ایجاد شغل و اشتغال‌زایی است. کارآفرینی، فرآیندی ارزشی است که منجر به تولید کالا یا خدمتی جدید می‌شود. با توجه به مشارکت همه جانبه زنان در آموزش عالی و حضور مؤثر آنان در عرصه‌های علم و دانش که نشانگر وجود شایستگی و توانمندی در آن‌هاست، ایجاد کسب و کار مبتنی بر کارآفرینی توسط زنان در مقیاس‌های کوچک و متوسط چه به صورت کار در منزل و چه به صورت ایجاد شرکت‌های تولیدی، دستاوردهای مهمی خواهد داشت.

با توجه به نوپایی موضوع کارآفرینی زنان، مشکلات زیادی نیز در مقابل آن وجود دارد. مهمترین آن‌ها مشکلات فرهنگی - اجتماعی است که رفع آن مستلزم اجرای سیاست‌ها و سازوکارهایی متناسب با آن می‌باشد (علی‌پور، ۱۳۸۴).

نظریه‌های جامعه‌شناختی بر این اعتقادند که ساختارهای اجتماعی (کاری، خانوادگی و زندگی اجتماعی) در دسترسی زنان به فرصت‌های کارآفرینی تأثیرگذار هستند. (Aldrich, 2009) وجود الگوهای کارآفرین در خانواده و دوستان و محرک‌های محیطی در بسیاری از پژوهش‌ها به عنوان عامل مؤثر در ایجاد انگیزه‌های کارآفرینی شناخته شده است (Hisrich & Fulop, 1995; GEM, 2004). عدم رضایت از شغل قبلی، کمبود فرصت‌های مناسب، عوامل اجتماعی، درآمد ناکافی خانواده، مشکل دریافتن شغل مناسب، نیاز به کار انعطاف‌پذیر به‌خاطر مسوولیت‌های خانوادگی، بیکاری، کشف فرصت‌های کسب و کار، کشف بازارهای جدید و یک ایده جدید از مواردی است که در پژوهش‌های کارآفرینی زنان به آن‌ها اشاره شده است (Deng et al., 1995; Breen et al., 1995; Orhan & Scott, 2001).

چالش‌های پیش‌روی کارآفرینی زنان

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، حضور زنان در بازار کار،

متناسب با افزایش سطح تحصیلات آنان افزایش نیافته است و موانع بسیاری بر سر راه فعالیت‌های اقتصادی زنان در خارج از منزل وجود دارد. به‌علاوه نمی‌توان از نظر دور داشت که بالا رفتن شمار زنان بیکار تحصیل کرده، با افزایش نارضایتی در میان این گروه منجر می‌شود و عوارض اجتماعی - اقتصادی خاص خود را به همراه خواهد داشت. به همین جهت در برنامه‌های توسعه، اعمال برنامه‌های مختلف جهت تسهیل فعالیت اقتصادی زنان، به‌ویژه در اشکال خوداشتغالی و کارآفرینی،

در بسیاری از پژوهش‌ها به تضاد بین کار و خانواده به‌عنوان یکی از موانع عمده و اساسی توسعه کارآفرینی در بین زنان اشاره شده است. (Brush, 2001; Ufuk & Ozgen, 1990) برخی از پژوهش‌ها نیز نگرش مخالف اطرافیان به زن کارآفرین را به‌عنوان مانعی در برابر آنان می‌داند (Goss & Shabbir, 1990; lin & Grise, 1990; Greorio, 1996).

در تحقیقی که در ترکیه انجام شد ۷۱/۴ درصد از زنان ترکیه‌ای اعلام کرده‌اند که از تضاد نقش‌ها رنج می‌برند. مطابق



مورد تأکید قرار گرفته است (حسینی‌نژاد، ۱۳۸۴). در خصوص موانع کارآفرینی زنان می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. موانع فردی و خانوادگی: از نظر جامعه مردان مسوول تأمین معاش خانواده هستند.

۲. موانع اجتماعی: بالا بودن نسبت بی‌سوادی در زنان نسبت به مردان، پایین بودن سطح حضور زنان در مشاغل کارشناسی و مدیریتی و به تبع آن نبود فرصت کافی برای حضور در برنامه‌های آموزش حرفه‌ای در حین کار. البته در سال‌های اخیر حضور زنان و دختران در مراکز دانشگاهی بسیار دلگرم کننده بوده است.

۳. موانع سازمانی و محیطی (صابر، ۱۳۸۱).

بسیاری در مسیر کارآفرینی زنان دارد اما امید آن می‌رود که با عنایت مسوولان و تلاش بیش از پیش زنان در جهت رفع مشکلات، آینده‌ای بهتر را نظاره‌گر باشیم.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

از آنجا که توسعه کارآفرینی زنان در کشور، به‌ویژه در میان دختران دانشگاهی، علاوه بر معضل حل بیکاری اثرات مستقیم و غیرمستقیم در توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور خواهد داشت، لزوم تغییر و تحول در ساختارهای موجود فرهنگی و اجتماعی کشور در جهت تشویق زنان و دختران به کارآفرینی، بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود.

بنابراین راهکارهای ذیل در جهت توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه زنان پیشنهاد می‌گردد:

- ارزش نهادن و ترویج فرهنگ کارآفرینی در زنان و معرفی زنان کارآفرین و موفق به‌منظور تقویت روحیه خودباوری و اعتماد به نفس و انگیزه کارآفرینی و شناساندن اهمیت و ارزش کارآفرینان در اقتصاد جامعه
- کمک به حل مشکل تضاد نقش‌ها با آموزش افراد خانواده در تغییر توقعات، توزیع مناسب مسوولیت‌ها میان اعضا خانواده، انجام هماهنگی لازم در کارهای خانه و نگهداری از فرزندان
- ارائه آموزش‌های تخصصی و کاربردی در زمینه کارآفرینی در قالب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی به‌منظور توسعه و تقویت مهارت‌های کارآفرینی
- حمایت از زنان کارآفرین در مرحله راه‌اندازی کسب و کار و اعطای تسهیلات مناسب به صاحبان ایده‌های خلاق
- معرفی فرصت‌های کارآفرینی زنان خصوصاً در دانشگاه‌ها و ایجاد ارزش و باورهای مثبت کارآفرینی در نظام آموزشی کشور
- اصلاح سیاست‌ها و قوانین موجود و تدوین قوانین جدید در جهت حمایت از زنان کارآفرین
- تقویت تشکلهای زنان کارآفرین و ایجاد مراکز رشد کارآفرینی زنان